

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، بهار ۱۴۰۰

صص: ۱۱۹-۱۴۳

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

بررسی شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مشهور انقلاب اسلامی

رضا کریمی لاریمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران
دکتر رضا فرصتی جویباری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

دکتر حسین منصوریان

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

چکیده

در دوره‌ی انقلاب اسلامی، شاعران متعهد و ملتزم، برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و ترویج افکار انقلابی، به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی و... دوران خود پرداخته‌اند که این اشعار به «شعر اعتراض» موسوم گشته است. شعر اعتراض به عنوان جریان ادبی نوپا، نوعی از شعر اجتماعی که از شعر پایداری سرچشمه می‌گیرد. از میان شاعران سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه از جمله شاعران منتقد به شمار می‌روند. این پژوهش سعی دارد به بررسی درونمایه‌ها، شیوه‌های بیان، لحن و قالب اعتراضی در اشعار شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی در حیطه‌های گوناگون (سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و...) بپردازد و وجه اشتراک و افتراق سروده‌های آنها را در این زمینه بررسی نماید. این جستار به شیوه توصیفی، تحلیلی، آماری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. شاعران در انتقاد از معضلات کشور یا جامعه بشری از نگرشی واقع‌گرایانه و در عین حال فرامرزی برخوردارند، به طوری که اشعار اعتراضی آنان بازتابی از شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه و زمان است. هدف شعر اعتراض، حفظ ارزش‌های اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با بی‌عدالتی است. بنابراین بیشترین بسامد بازتاب درون‌مایه‌های اعتراضی در اشعار سید حسن حسینی و کمترین نمود آن مربوط به قیصر امین‌پور است که به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، هائیکو، رباعی و... در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سروده شده است. گاهی این اعتراض‌ها جهانی و گاهی داخلی است که اعتراض‌های نوع اول حول اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی می‌چرخد و اعتراض‌های درون‌کشوری مربوط به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است.

واژگان کلیدی: ادبیات انقلاب اسلامی، شعر اعتراض، سلمان هراتی، سید حسن حسینی،

قیصر امین پور، علیرضا قزوه

Email: r.karimi@qaemiau.ac.ir

r.forsati@qaemiau.ac.ir

h.mansoryan@qaemiau.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

۱- مقدمه

شعر اعتراض از بن‌مایه‌های شعر پایداری سرچشمه می‌گیرد. اعتراض به معنای «خرده گرفتن، انگشت بر حرف نهادن، ایراد گرفتن و واخواست» به کار می‌رود. (فرهنگ معین، ۱۳۷۹: ج ۱: ۳۰) ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتی چون «ادب مقاومت»، «ادب شورش»، «ادب ستیز»، «ادب پرخاشگر» و «ادب انتقادی» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب‌پژوهان و فرهنگها به تصریح از آن یاد شده است، «به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم منعکس کرده است.» (پشت‌دار، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

بنابراین ادب اعتراض به آثار ادبی اطلاق می‌شود که کانون توجه شاعر یا نویسنده در آن به عدالت‌خواهی و رفع تبعیض در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. شاعر و نویسنده معترض که معتقد است شعر و هنرش به جامعه پیرامونش متعهد و ملتزم است، ظلم و ستم نابرابری را بر نتابیده، در برابر انحرافات فکری و فرهنگی، انحطاط اخلاقی جامعه و از دست رفتن اصول و ارزشها فریاد بر می‌آورد، از شعرش بر علیه حاکمان ستمگر و عدالت‌گریز و وضع نا مطلوب موجود، سلاحی کوبنده می‌سازد و هدف آن بیشتر عدالت اجتماعی است، چنانکه قصد دارد با بیان مشکلات و اعتراض جامعه را به سمت اصلاح و بهبود پیش ببرد.

در واقع شاعران انقلابی همچون سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه در دوران قبل از انقلاب و حتی بعد از آن وظیفه خود می‌دانند تا در برابر نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی زبان به اعتراض گشایند و انحرافات را به اقشار مختلف جامعه گوشزد نمایند. همین امر نگارندگان این پژوهش را بر آن داشته تا به بررسی و تبیین شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی بپردازند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند که مهمترین درونمایه‌های مشترک اعتراضی در اشعار شاعران مورد بحث کدامند و پر کاربردترین قالبها و شیوه‌های بیان اعتراضی در اشعار شاعران چیست؟

۱-۱- ضرورت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش واکاوی درونمایه‌های اشعار شاعران مورد نظر (سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه) تبیین قالب، شیوه‌های بیان انتقادی آنان و دریافت بافت اجتماعی حاکم بر جامعه از لایه‌لای اشعار اعتراضی آنها است. این پژوهش قصد دارد ویژگیها و مضمونهای به کار رفته در اشعار شاعران را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد تا راهنمایی برای پژوهشگران در زمینه ادبیات پایداری و

ادب اعتراض باشد.

۱-۲- پیشینه‌ی پژوهش

بررسی و جستجوی نگارندگان در پایگاه‌ها و منابع اطلاعاتی نشان داد که در باره موضوع «شعر اعتراضی» کتابها و پژوهش‌هایی انجام شده است. کتابی با عنوان دادخواست صد شعر اعتراض (امید مهدی نژاد و محمدمهدی سیار، ۱۳۸۸) نگاشته شده است. در این کتاب صد نمونه‌ی شعر اعتراض از شاعران معروف انقلاب اسلامی بررسی شده است. مقالاتی نیز با عناوین: «چشم انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی» (علی محمد پشت دار، ۱۳۸۹)؛ «کاووشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران دهه اول انقلاب اسلامی» (سید مهدی رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ «انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب (فاطمه راکعی و سپیده کاشانی) (طاهره ایشانی، ۱۳۹۴) نگاشته شده است. شایان یادآوری است در بررسی‌های انجام شده هیچ نوع تحلیلی با این رویکرد و به صورت خاص بر روی اشعار شاعران مورد بحث صورت نگرفته و این موضوع تازگی و نوآوری پژوهش حاضر را آشکار می‌کند. از این رو نگارندگان نظر به اهمیت بررسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان ادبی نو پا و جدید به انجام این پژوهش مبادرت ورزیده‌اند.

۱-۳- مبانی نظری

شعر اعتراضی

شعر اعتراضی به عنوان بخشی از ادب اعتراضی در ادبیات فارسی به عنوان یک جریان ادبی از آغاز شعر فارسی مطرح بوده است. اگرچه تفاوت زیادی میان مفهوم اعتراض و موضوعات مورد بحث آن در ادبیات کلاسیک و معاصر است و مفهوم امروزی آن را در ادبیات فارسی بیش از همه در ادبیات مشروطه و پس از آن می‌توان دید؛ باین حال ادبیات انقلاب اسلامی هم از شعر اعتراض- در تعریف امروزی آن - خالی نیست و در شعر شاعران مطرحی در این دوره می‌توان شعر اعتراض را مشاهده کرد.

گسترهی موضوعی شعر اعتراض بسیار وسیع و با توجه به موقعیت تاریخی و اجتماعی هر دوره متغیر است. این نوع شعر از نظر قالب شعری به صورت غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، چهارپاره و... خود را نشان داده است. به هر حال هرگاه کسی نسبت به اموری اعتراض داشته باشد، آن را در گفتار، حالات و اعمال خویش نشان می‌دهد. از آنجاییکه شعر اعتراضی از زیرشاخه‌های ادبیات پایداری است به این خاطر ابتدا به بررسی ادب پایداری می‌پردازیم.

ادبیات پایداری

«ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تاثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی، اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت،

غضب، غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی، فردی و... شکل میگیرند. بنابراین جان مایه آثار پایداری؛ مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و استادگی در برابر جریانهای ضد آزادی است.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۱) به عبارتی ساده‌تر سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین باشد، ادبیات پایداری یا مقاومت میگویند. بنابراین سروده و نوشته‌هایی که مبارزه ملت‌ها را در برابر عوامل استبداد داخلی و خارجی و تجاوز بیگانگان نشان دهد، در حوزه ادب پایداری جای میگیرد که اصلیت‌ترین مسائل حوزه ادب پایداری، دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی و آزادی، نمودن افقهای روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی و... است.

انواع شعر اعتراض و درونمایه‌های آنها

شعرهای اعتراض معمولاً برای اهداف خاصی بیان می‌شوند و مضامین گسترده‌ای دارند. «گاهی شاعر شوریدن بر سکوت جهانی، گلایه از دگرگونی ارزش‌ها، دلتنگی از تجمل‌گرایی، خرده بر بی‌دردی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از فریبکاری و فراموشی گذشته و سرزنش شاعرانه سکوت را بیان می‌کند.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) «گاهی دیگر شاعر از دگردیسی برخی رزمندگان، غفلت جامعه و سوءاستفاده از نامها و نشانها اعتراض می‌نماید.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۹) بر اساس موارد اعتراض گونه، می‌توان به‌طور کلی اعتراض‌ها را به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از اعتراض جهانی (برون‌کشوری) و بخشی داخلی (درون‌کشوری) هستند که متوجه بی توجهی‌های درون جامعه است.

۲- بحث و بررسی

با تقسیم‌بندی اعتراضات به دو نوع اعتراض‌های جهانی (برون‌مرزی یا برون‌کشوری) و اعتراض‌های داخلی (درون‌کشوری یا درون‌مرزی)، درونمایه اعتراضات جهانی بیشتر در زمینه‌های سیاسی و مسائل قدرت‌های جهانی است ولی درونمایه اعتراض‌های داخلی مربوط به اعتراض‌های درون کشور است که بیشتر در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی و فلسفی میباشد. در این قسمت به مهمترین درونمایه‌ها و مضامین مشترک شعر اعتراض در سروده‌های شاعران موردنظر پرداخته می‌شود.

۲-۱- اعتراض‌های جهانی یا برون‌کشوری

اشعار تحت عنوان «اعتراض» دارای مضامین گسترده‌ای هستند. یکی از این مضامین مسائل مربوط به اوضاع منطقه‌ای و جهانی را شامل می‌شود. آنچه بیش از هر چیز در جهان خبرساز است و توجه سایر مردم جهان را به خود معطوف می‌نماید، مسئله جنگ‌افروزیها

واستعمارگریهای کشورهای مستکبری مثل آمریکا، اسرائیل، انگلیس و... است این جنگ افروزیها در بیشتر مواقع با واکنشهای جهانی روبرو می‌شوند و هر قشری از مردم اعم از شاعر، نویسنده و... انزجار خود را نسبت به اعمال ناجوانمردانه مستکبرین نشان میدهند. بنابراین اعتراض‌های جهانی عبارت اند از:

۲-۱-۱- اعتراض به استکبار جهانی

گسترش و پیچیدگی روزافزون پدیده استعمار و استکبار از یکسو و لزوم افزایش آگاهی توده‌های مردم در جهت مبارزه با آن، از جمله مسائل بسیار مهمی است که اذهان شاعران را به خود مشغول کرده که این مسئله برخاسته از درک عمیق و واقع‌بینانه نسبت به واقعیت‌های جامعه جهانی است. در دوران معاصر با توجه به بیداری جوامع بشری و گسترده شدن وسایل ارتباطی، دیگر کمتر کسی است که از اوضاع و تحولات سیاسی جهان بی‌خبر باشد و درد و رنج ناشی از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها روا داشته شده بر مردم جهان را احساس نکند، به همین دلیل، بسیاری از شاعران ایران در اعتراض به ظلم‌های مستکبران و استعمارگران جهانی شعر سروده‌اند. سلمان در اعتراض آشکارا هوشیاری و تیزبینی به پیوند نامبارک سرمایه داری و سازمانهای بین‌المللی هم‌راستایی اهداف این پیوند با سیاست‌های کشورهای غربی اشاره می‌کند؛ که دنیا را برای رسیدن به خواسته‌های خود به چالش کشیده‌اند:

دنیا در بستر نیرنگ / آرمیده است / «اریستوکراسی» / با جلیقه مخمل / بر پله‌های
سازمان ملل / بار انداخته است / و به دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند / و علی‌رغم طوفان
های غیر موسمی / و زلزله محتومی که در پیش داریم / ضیافت شامی / با حضور «تراست
ها و کارتل‌ها» / به وسیله «سیا» / ترتیب داده می‌شود/ به جای نان / بر سفره هاشان
/ نقشه دنیا می‌گذارند. (هراتی، ۱۳۶۸: ۹۰-۸۹)

این نوع اعتراض‌های هم مربوط به کشورهایی مثل لبنان، عراق، افغانستان و... است و هم وضعیت بردگان و کارگران را در سایر کشورها اعم از فرانسه، روسیه و آمریکا زیر نظر دارد. سلمان هراتی نیز در اعتراض به وضع بردگان در کشور‌های اروپایی می‌گوید:
سوسیالیست‌های فرانسه/ وضع بهتری ندارند/ سوسیالیست‌های فرانسه/ با لالایی سیا
به خواب می‌روند/ من دیدم در خیابان شانزه لیزه/ زیر پای دموکراسی/ پوست موز می
گذارند/ فکر می‌کنید مهد آزادی کجاست؟ (همان: ۹۳)

در این میان علیرضا قزوه با توجه به حساسیتش نسبت به مسائل سیاسی، نسبت به اتفاقاتی که در کشورهایی که مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفته است، می‌افتد؛ خصوصاً فلسطین واکنش نشان می‌دهد و نسبت به اتفاقات پیش‌آمده اعتراض می‌کند. این اتفاقات

شامل ریزترین مسائل اعم از جنگ سی و سه روزه حزب الله، جنگ یازده روزه غزه، پیمان های صلح اعراب و اسرائیل و... می‌شود. علاوه بر آن او نسبت به حوادثی که در دیگر کشورهای مسلمان می‌افتد، اعم از جنگ بالکان، عراق و افغانستان، تغییرات سیاسی یک سال اخیر در کشورهای عربی و تلاش آمریکا برای دخالت در کشورهای منطقه، واکنش نشان می‌دهد و لب به اعتراض می‌گشاید:

آنها نقشه کشیده‌اند برای تمام جهان/ آنها برای فردای ما نیز نقشه کشیده‌اند / با نقشه دجال های دیجیتالی / شیوخ آل سعود /و حد حرم را/ با کمک اسرائیل و دوربین های پیشرفته انگلیسی مشخص کنند / آنها به درد هیچ چیز دیگری نمی‌خورند/ آنها به درد چاله کندن می‌خورند / بر سر راه مسلمانان /و تقسیم کردن مسلمانان با کمک آیات وحدت/ می‌بینی که حال جهان هیچ خوب نیست. (قزوه، ۱۳۶۹: ۳۰۰)

۲-۱-۲- اعتراض به فراموش شدن مسئله فلسطین

حمایت از ملت‌های آزادی‌خواه و مظلوم و ستایش مقاومت‌های آنان چون بوسنی، لبنان، صرب‌ها، مجاهدین مصر به‌ویژه فلسطین که بخش ویژه‌ای از اشعار شاعران پس از انقلاب را تشکیل می‌دهد. فلسطین و رژیم متجاوز اسرائیل از چندین سال قبل از انقلاب از بزرگ‌ترین مشکل‌های جهان اسلام بوده و به دلیل داشتن ایدئولوژی خاص اسلامی با انقلاب اسلامی گره خورده است به همین منظور شاعران در اشعارشان به نحوی اعتقادی به حقانیت فلسطین و انعکاس مظلومیت آنان را به ستایش سرزمین‌ها، قهرمانان و مقاومتشان به اثبات می‌رسانند. اشعاری که درباره سرزمین قدس اشغالی سروده شده‌اند ضمن آنکه بیدارگر و مبارز طلب است و از تجاوز نفرت دارد. اعتراض به فراموش شدن مردم فلسطین و مظلومیت آن‌ها در طول این شصست سال بدبختی و آوارگی در شعر و آثار بسیاری از شاعران و هنرمندان متعهد نمود فراوانی دارد. سلمان می‌گوید:

کفترباران سیاست پیشه/... سعی دارند /دنیا باور کند /زخم ایران با پماد زیتون التیام می‌یابد/ و فلسطین مستاصل باید / به آوارگی قناعت کند.(هراتی، ۱۳۸۰: ۸۹)

شعر مقاومت فلسطین نمایش پایداری و سرزندگی فلسطین و فلسطینیان است تا روزی که قدس عزیز از چنگال صهیونیست غاصب رهایی یابد به امید آن روز، و قیصر از این‌که این سرزمین توسط این کرکسان به اشغال درآمده، نگران است و از خدا می‌خواهد زودتر این سرزمین آزاد شود:

تا که آن خانه را ز کرکس بگیریم/ آشیان را از کرکس بگیریم/ مثل رگبار باران بباریم/ خانه را سربه‌سر گل بکاریم. (امین پور، ۱۳۸۸: ۴۹۹)

قزوه از دوستی سران فلسطینی با اسرائیل به ستوه می‌آید و در انتقادی آشکار از حکام

عرب و یاسر عرفات می‌گوید:

اردوگاه‌های فلسطینی را نگاه کن / ابوالفضل با مشک تشنه بر می‌گردد / صدای گریه
رقیه را می‌شنوی / گورباچف و ریگان هم کاندید صلح نوبل شده‌اند / قرآن فهد زیباتر از قرآن
قابوس چاپ می‌شود / عرفات شلوار اسرائیلی می‌پوشد / راستی یاد شهیدان بیت‌المقدس
بخیر! (قزوه، ۶۳: ۱۳۹۱)

قزوه علیه دوستی سران فلسطینی از جمله یاسر عرفات که خواهان دوستی با اسرائیل
هستند اعتراض می‌کند و می‌تواند ناراضیتی شاعر ناشی از منعقد شدن صلح موسوم به «
اسلو» باشد که میان فلسطین و اسرائیل منعقد شده‌است. این اعتراض به ظلم‌های جهانی
به تعداد مردم مظلوم جهان است. بنابراین در اینجا تنها گوشه‌ای از هزاران اشاره شد. در
ادامه به بررسی درون مایه‌های اشعار معترض در سطح داخلی (درون کشوری) پرداخته
می‌شود.

۲-۲-۲- اعتراض‌های داخلی (درون کشوری)

این نوع اعتراض‌ها پهنه گسترده‌ای دارند و به اعمال، رفتار، طرز تفکر و تصمیم‌گیری
مردم و مسئولان مربوط می‌شود که این نوع اعتراض شامل درون مایه‌های اجتماعی،
سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی می‌باشند. در ادامه به بررسی جداگانه هر یک از آنها
پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- اعتراض به دوران شاهنشاهی

یکی دیگر از انتقادهای پر بسامد در شعر شاعران انقلاب انتقاد از دوران شاهنشاهی
است. این اشعار شامل انتقاد از بی‌عدالتی، ظلم و استبداد و خفقان حاکم بر جامعه زمان
شاعر بوده‌است. سلمان هراتی در شعری گویا خطاب به امام خمینی سروده‌است، به شیوه
نمادین به وسیله عناصر طبیعت همچون دریا، رود، کویر، بهار و... چهره دوران شاهنشاهی
را به تصویر می‌کشد. او اعتقاد دارد که در دوران شاهنشاهی، با این‌که ظرفیت پیشرفت و
تعالی مردم فراهم بود ولی نظام، شرایطی را به وجود آورد، که ترس بر مردم غالب شده،
آنان را یارای هیچ فعالیتی نبود:

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت / شب مانده بود و جرات فردا شدن نداشت / بسیار
بود رود در آن برزخ کبود / اما دریغ زهره دریا شدن نداشت / در آن کویر سوخته، خاک بی
بهار / حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت / دل‌ها اگرچه صاف ولی از هراس سنگ / آیینه بود
و میل تماشا شدن نداشت. (هراتی، ۸۲: ۱۳۶۸)

قیصر امین‌پور مانند همه‌ی شاعران انقلابی آن دوره بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی
دوره‌ی پهلوی را به انتقاد می‌گیرد و روایت بسیار دقیقی نسبت به معضلات و اوضاع نابه

هنجار آن دوره دارد. شاعر در شعر اجتماعی زیر با استفاده از نماد شب به تصویر پردازی اوضاع اجتماعی قبل از انقلاب می‌پردازد و شب را نماد اختناق و تیرگی آن سالیان معرفی می‌کند و به استهزا امید طلوع دوباره‌ی آن را عبث می‌داند:

هان ای خدایگان/ در روز بار عام/ حتی/ تمثال بی مثال شما را/ یارایی ادای تظلم نداشتیم!.../ باری امید بس عبثی دارید! / زیرا که شب/ آبستن طلوع شگفتی است!... (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۶۴).

امین‌پور دوران اختناق و ظلم و ستمی را که در آن زمان وجود داشت، بازگو و استبداد آن دوره را فصل کسالت معرفی می‌کند که هیچ راه حرکتی برای رسیدن به حقیقت آزادی وجود نداشته است:

چار فصل سال را رسم این نبود هیچ فصلی این چنین خونین نبود
(همان: ۴۱۰)

۲-۲-۲- اعتراض به سکوت شاعران و دیگر هنرمندان

هنر، به قول نیچه ناشی از عدم تحمل هنرمند نسبت به وضعیت موجود است. این وضعیت موجود می‌تواند هستی باشد، می‌تواند جامعه باشد، می‌تواند زندگی خصوصی هنرمند باشد؛ بنابراین، هنر از جمله شعر، امری اعتراضی است. (شمس لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۸)

بنابراین گفته، وظیفه شعر و هنر یک نوع اعتراض به جهان و به وضع موجود است و هنرمندان هیچ گونه ناموزونی و نابرابری را برنمی‌تابند و همواره خواهان بهترین وضعیت هستند و در جهت خلق این وضعیت آرمانی در هر رشته‌ای که هستند تلاش می‌نمایند؛ اما یکی دیگر از پرکاربردترین مضامین اعتراضی در شعر بعد از انقلاب و بخصوص دو دهه اخیر، اعتراض به سکوت کردن جامعه بشری، شاعران و دیگر اقشار جامعه در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها است. درواقع باید گفت که این نوع، اساسی‌ترین نوع اعتراض است، چون باعث بیداری، تحریر و ترغیب جامعه برای قیام علیه نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود. سید حسن حسینی می‌گوید:

امشب سکوت را/ باید طلاق داد/ و نشان‌داید/ انگشت طلائی فریاد/ در انگشت جاری باد/ مبارک باد! (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۳)

وقتی تابوت عاطفه بر زمین مانده بود/ جمعی به جیغ بنفش می‌اندیشیدند/ و برای کشف زوزه‌ی صورتی/ هفت مرتبه الیوت و اکتاویوپاز را ورق می‌زدند. (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۹)

اما در مقابل اینگونه شاعران نامتعهد، شاعران دیگری نیز هستند که اعتراض و فریاد در برابر ظلم را سرلوحه شعر خود قرار دادند و می‌گویند: مرا نشناخته‌اند/ که گفتند: لب

فرو بند/ و به سری که درد نمی‌کند/ دستمال میند/ من اما سرم درد می‌کرد/ گفتم:/ دیروز چاره ساز این سر پر درد/ یک پیشانی بند سبز بود/ و امروز/ جز با زبان سرخ نشاید که چاره کرد/ گوهر چه باد، باد. (همان: ۱۱۸)

شاعران انقلاب عموماً هرچه می‌سرایند از سر تعهد است لذا با اشعاری که روحیه انقلابی را در مردم افزایش ندهد و تنها برای دل خود باشد، مخالفند. سلمان هراتی، شعر خود را در مقابل اینان قرار می‌دهد و می‌گوید:

شعر من/ عربده جانوری نیست/ که از کثرت استعمال «ماری‌جوانا»/ دهان باز کرده باشد/ بلکه زمزمه‌ای است که مظلومیت تو مرا آمیخته/ و من آری من/ برای «بلقیس» / قصیده نمی‌گویم (هراتی، ۱۷: ۱۳۸۰)

شاعری هدفی مقدس است و می‌توان یکی از اهداف شعر را انعکاس درد درونی جامعه دانست که در نظر قیصر امین‌پور این هدف والا نباید با اهداف غیر مقدس چون صرف درآمدزایی و سودگرایی آلوده شود:

روزی که شاعران/ ناچار نیستند / در حنجره‌های تنگ قوافی/ لبخند خویش را بفروشند. (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

وی معتقد است قیمت گذاشتن بر روی احساس از ارزش واقعی شعر می‌کاهد، زیرا احساس پاک و ارزشمند شاعری قیمتی ندارد و وقتی می‌بیند که شاعران امروزی این احساس را در راه چیزهای کم ارزشی به حراج می‌گذارند، دست به انتقاد می‌زند و این مسئله را اینطور بیان می‌کند:

روزی که روی قیمت احساس/ مثل لباس/ صحبت نمی‌کنند... / پروانه‌های خشک شده، آن روز / از لای برگ‌های کتاب شعر/ پرواز می‌کنند. (همان).

۲-۲-۳- اعتراض به فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا

در تمام دوران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن و همچنین در دوران جنگ تحمیلی، ملت ایران داغ‌دار جوانان بسیاری بود که در راه رسیدن به آرمان‌های خود و برای تحقق و حفظ ارزش‌های اسلامی جان خود را فدا نمودند و شهید شدند. این مسئله حفظ و نشر ارزش‌های شهیدان و دفاع مقدس، دغدغه بسیار مهمی است که همه اقشار جامعه به آن اهتمام دارند. برای همین در ادبیات دفاع مقدس، هم در سال‌های هشت گانه جنگ تحمیلی و هم در سال‌های پس از جنگ گسترده‌تر و چشمگیرتر موضوع فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا، محور و موضوع بسیاری از سروده‌ها و نوشته‌ها قرار می‌گرفت؛ چون این ارزش‌ها به مرور زمان کمرنگ می‌شدند و توجه به مادیات و تجملات جای آن ارزش‌های والا را می‌گرفت. در چنین موقعیتی حسینی، به همراه تعدادی از شاعران، در شعرهای خود این

غفلت را یادآور شدند و به فراموشی روزهای جنگ، آرمان‌های انقلاب و فراموشی شهدا اعتراض کردند.

چلچله‌ها/ از مرخصی/ بازنگشتند / و سلسله سکون/ سنگینتر از همیشه/ فرود آمد؛/ هجرت/ بی‌اجازه/ میسر نیست؛/ آتش‌فشان‌ها/ گرفتار نقرسند /و بادهای سر به زیر/ دستی به شانه دریا/ نمی‌کشند./ چلچله‌ها/ از مرخصی/ بازنگشته‌اند/ و لانه‌های منتظرشان/ در طرح‌های توسعه /ویران شد.(حسینی، ۱۳۸۸ ب: ۲۴-۲۳)

ماجرای این است کم‌کم کمیت بالا گرفت/ جای ارزش‌های ما را عرضه کالا گرفت.
(حسینی، ۱۳۸۸ ج: ۱۴۸)

هراتی می‌گوید: دلم برای جبهه تنگ شده است /چه قدر صداقت نیست /چه قدر شقایق را ندیده می‌گیریم/ حس می‌کنم سرم سنگین است. (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۸)

قیصر در شعر ذیل با یادآوری کار بزرگی که شهیدان انجام دادند، یعنی ایثار خون خود که بالاترین درجه ایثار است به بازماندگان هشدار می‌دهد که مسئولیت بزرگی دارند. شاعر با تکرار واژه «دریغ» بر زیبایی بیان این واژه می‌افزاید و اثر آن را در گفتارش ماندگار می‌کند. «بی‌دریغ»، «دریغ» و «دریغ می‌کنیم» هرکدام به معنای خاص خود به کار رفته‌است. افرادی که نبود ایشان به اندازه بودنشان تاثیر گذار است، آن‌چنان که آئینه‌ای می‌شوند برای انعکاس چیزی که در ذهن و قلمشان به دنبال آن هستیم، بودن را به گونه‌ای دیگر معنا می‌بخشند. احساس درونی که از یافتن شان زیر پوست تنمان جریان دارد، داغ تر از آن است که گونه‌ها را رنگ بخشد و قلب ما به تپش بیشتر درآورد:

ما که این‌همه برای عشق آه و ناله دروغ می‌کنیم/ راستی چرا در رثای بی‌شمار عاشقان / که بی‌دریغ خون خویش را نثار عشق می‌کنند / از نثار یک دریغ هم دریغ می‌کنیم. (امین پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

علیرضا قزوه نیز که در تمامی مجموعه‌های شعر خود، فراموشی ارزش‌ها را گوشزد می‌نماید و به حالت طعنه و ایهام می‌گوید: اسماعیل وصیت کرد روی قبرش بنویسد: «پرکاهی تقدیم به آستان الهی.» امسال هیچ شاعری با حلق اسماعیل همصدا نشد. (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۱) شاعر از این که نام و یاد شهدا جز به ضرورت یافتن مقام و مرتبه، چندان اهمیتی ندارد، دل‌گیرانه لب به اعتراض می‌گشاید:

دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها/ گریه کن، ای آسمان! در مرگ توفان زاده‌ها/ سخت گم نامید، اما، ای شقایق سیرتان! /کیسه می‌دوزند با نام شما شیادها (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۱)

۲-۲-۴- اعتراض به افراد بی درد و مرفه جامعه

جنگ، در باور انقلابی شاعران متعهد، به ویژه در دهه اول انقلاب، عیار خوبی برای تشخیص سره از ناسره و دوستان و دوست نمایان بود. گوشه گیری و دور شدن از جبهه و معرکه جنگ از سوی عده ای، اعتراض بسیاری از شاعران متعهد را به همراه داشت. این افراد بی درد و مرفه جامعه انگار انسان هایی هستند که هرگز اعضای دیگران نبودند و خود را از گوهر و نژاد برتر دانسته‌اند. اینان، همان کسانی هستند که از تیررس نکته پردازان در امان نبودند. چنانکه هراتیدر اعتراضی آشکار و بی پرده و مستقیم درباره آنان می‌گوید:

وقتی جنوب را / بمباران کردند / تو در ویلای شمالی ات / برای حل کدام جدول بغرنج / از پنجره به دریا نگاه می کردی؟ (هراتی، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۳)

حسینی بر آنانی که این چنین تحقیرآمیز، زندگی آرام و بی‌دغدغه خود را می‌گذرانند و فضای معنوی جبهه ها و فرصت رسیدن به درجه رفیع شهادت را از دست می‌دهند، سخت می‌تازد:

این گریه آور است / در فصل جوشش صد چشمه زلال / جمعی ز تشنگان / به خاطر آب / دل خوش اند / این خنده دار نیست ؟ / هنگام فجر و رویش خورشید بی زوال / بوزینگان / به کرمک شب تاب دل خوش اند (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۶).

امین پور افراد بی‌ایمان نسبت به خاک و آدمیان پر مدعایی که ننجگیدن و دوری از آنان را بر زنده ماندن و خود را نجات دادن ترجیح داده‌اند، به باد انتقاد می‌گیرد و آن‌ها را دیواری خطاب می‌کند که زنده ماندن آنها تفاوتی با مرگ ندارد:

باری / این حرف‌های داغ دلم را / دیوار هم‌توان شنیدن نداشته است / آیا تو را توان شنیدن هست؟ / دیوار! / دیوار سرد سنگی سیّار! / آیا رواست مرده بمانی / در بند آنکه زنده بمانی؟ (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۸۹).

این افراد، که خود را تافته جدا بافته از ملت می‌دانند و هیچ گونه رنج و سختی را بر نمی‌تابند، از نظر این افراد بی درد و رفاه طلب: این همه خون، حجامت ملت بود / تا حاج آقا همچنان چلوکباب سلطانی کوفت کند / تا قلیان بکشد / به تسبیح شاه مقصودش بنازد / تا با تلفن زمینس معامله کند (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۲-۹۳).

همسایه بغلی ما شخص شریفی ست / با هشتصد متر زیربنا / به دنیا اعتقاد ندارد / یک پایش این دنیا ست / یک پایش آن دنیا / او در پاک کردن حساب مردم / مهارتی خاص دارد / و از ولا الضالین همه ایراد می‌گیرد هر وقت جنگ جدی می‌شد / به جبهه می‌رفت / و یک پرتقال تگری می‌خورد او از خدا چند هزار رکعت طلب کار است / و خاطر خواه جیب‌های برآمده است (قزوه، ۱۳۶۹: ۵-۹۴)

همان طور که مشاهده می‌شود پیکان این انتقادات گاه به سمت افراد ظاهراً دین‌دار و خوش‌سابقه و در عین حال راحت طلب و بی‌درد نیز نشانه می‌رود.

۲-۲-۵- اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی

شاعران متعهد بعد از انقلاب، نسبت به فقر، تهی دستی و تبعیض که از فاصله طبقاتی حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد، به شدت واکنش نشان می‌دهند؛ به ویژه آن که خود اغلب متعلق به این قشر جامعه بودند و یا از نزدیک، با زندگی کسانی از این طبقه آشنا بودند. و مهم تر این که این بخش از جامعه در پیروزی انقلاب اسلامی، پیش برد آرمان‌ها و اهداف انقلاب و شرکت در جنگ، بیش از هر گروه دیگری، فداکاری کردند و انتظار این بود که وضع معیشت آنان اصلاح شود. سلمان هراتی نیز به عنوان شاعری متعهد و آرمان‌گرا که متعلق به همین گروه بود و شرایط سخت معیشتی آنان را درک می‌کرد، به فاصله طبقاتی و فقر این گروه از جامعه به شدت اعتراض می‌کند:

مادر می‌گوید/ چرا حق هنوز با ناصر خان است؟/ چرا سهم عبدالله جریب جریب زحمت است و حسرت/ و سهم ناصر خان هکتار هکتار محصول است و استراحت؟/ مگر عبدالله زیر بوته عمل آمده است/ که صاحب هیچ زمینی نیست؟/ پس چرا عبدالله فقط کاشتن را بلد است/ و ارباب برداشتن را؟/ ما در مقابل آمریکا ایستادیم/ اما چرا هنوز کیومرث خان خرش می‌رود (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۳۱)

در اینجا حسینی از طریق به کار بردن ایهام در کلمات پایانی شعر، حرف دل مردمان درد کشیده‌ای را بیان می‌کند که حتی از مایحتاج اولیه زندگی خود نیز محروم مانده‌اند: پدر آمد از راه / دست هایش خالی / کودکان چشم به دستان پدر... / سفره خالی / ا پدر از پنجره بیرون انداخت / سفره قلبش را بار دیگر گسترد / بچه‌ها آن شب هم- / مثل دیگر شب‌ها - / یک شکم سیر محبت خوردند! (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۸)

قیصر در شعر «فصل تقسیم» شاعر عدالت و جامعه‌ای آرمانی را که در حسرت آن است و با ظهور منجی تحقق پیدا خواهد کرد، توصیف می‌کند و در آن، گل و گندم و لبخند، نشانه‌هایی از برآورده شدن نیازهای مادی، عاطفی و روحی انسانها تواند بود:

وقت آن شد که به گل، حکم شکفتن بدهی / ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها / فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید / فصل تقسیم غزل‌ها و غزلخوانی‌ها (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۵۵)

در واقع قزوه نه تنها تضاد طبقاتی بلکه تضاد فکری این دو قشر جامعه را نشان می‌دهد، یکی در فکر تأمین نیازهای اولیه زندگی و دیگری در فکر تجملات و تشریفات زندگی: یکروز یک کراواتی سرمایه‌دار/ با بنز قهوه‌ای اش از جلوی پایم ویراژ داد/ و به عبای

وصله دارم وصله های عوضی چسباند/ دیشب جلوی میهمانم/ تخم مرغ آب پز گذاشتم/ دیشب مادرم با چای و کشمش سر کرد/ او قلبش برای انقلاب می تپد/ اما وسعش نمی رسد یک نوار قلب بگیرد/ و من می دانم که نوار قلب هم همه منحنی های دردش را نشان نمی دهد/ مادرم دفترچه خدمات درمانی ندارد/ و همیشه ابوالفضل به دادش می رسد. (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۴-۱۱۳)

۲-۲-۶- اعتراض به افراد سود جو و منفعت طلب

در لحظه‌ها و روزهای مبارزه و پایداری و شهادت، سودجویان و منفعت‌طلبان حادثه گریز به مدد توجیه و بهانه از صحنه و میدان کناره می‌گیرند و به «خود» دنیای خودی می‌پردازند. در ادبیات پایداری ملت‌ها، لبه تیز حمله، گاه متوجه این‌گونه افراد است که از همه چیز به نفع خود استفاده می‌کنند و حتی از جنگ یا جبهه، وسیله‌ای برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کند. از جمله این افراد، برخی از تاجران و بازاریان هستند که این‌گونه مورد طعن و اعتراض قرار می‌گیرند:

تاجری مجلس تفسیر گذاشت ابتدا فاتحه بر قرآن خواند

(حسینی، ۱۳۸۷ الف: ۵)

در این عبارت به وسیله بازی با کلمات، با طنزی زیبا و فاخر شاعر توانسته است ویژگی برخی از تاجران بی انصاف را به تصویر کشد؛ یعنی شاعر به جای حرف «از» حرف «بر» را به کار برده و بدین وسیله معنای موردنظر را ابداع نموده است. در جای دیگر همین شاعر با کنایه می‌گوید:

شاعری را یک روز/ زیر بازارچه/ شلاق زدند/ ژنده پوشی سبب واقعه را جویا شد/ کافه اهل تجارت گفتند/ لفظ «بازار» گرامی باد!!/ و قلم‌های موسوس نابود!! «مردم‌آزار» کجا/ قافیه با «بازار» است. (همان: ۱۷)

سلام بر همه الا به قلب مغلوبان/ سلام بر همه الا به انقلاب فروش/ شما که خون دل خلق را پیاله شدید!!/ شرور شهر شمايید یا شراب فروش؟ (قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۷۸) در واقع قزوه معتقد است که گناه فرد شراب فروش شخصی است ولی گناه تاجران و... حق الناس است.

سلمان با شدیدترین لحن ممکن یا به عبارتی با لحنی تند و گزنده بر این سودجویان می‌تازد و به آنان اعتراض می‌کند:

دلت مثل پستو تاریک است/ می‌دانم/ و واحدهای درس «نداریم» را تمام کرده‌ای/ قلب تو ای پستو نشین حقیر/ قلب تو مثل سکه های زمان طاغوت است/ یک روی آن به عکس شاه مزین است و روی دیگر آن عکس یک شغال/ تو تلفیقی از شاه و شغالی/ تو همه جا

هستی/ اما چون لوازم یدکی نایابی/ و مثل زباله میل انبار شدن با توسل/ اندیشه ات/ مثل بازارهای سرپوشیده نمودار است و بینش تو در حدود ویتیرین است. (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۹۶)

۲-۲-۷- اعتراض به اوضاع نابسامان جانبازان و رزمندگان

علاوه بر فراموشی یاد و خاطره شهدا، گاهی در جامعه شهدای زنده یعنی جانبازان و رزمندگان سال‌های خون و حماسه، با بی‌مهری مواجه می‌شوند و آنان که زمانی مایه افتخار و پیروزی ملت بودند، حتی گاهی تحقیر هم می‌شود. این امر، زمینه این گونه اعتراضات را فراهم نمود:

تن یاران وطن پر شده از شعله و زخم باز، بر زخم چرا زخم زبانید شما
(قزوه، ۱۳۹۱: ۸۸)

سیدحسن حسینی در منظومه فصلی از «مرداب‌ها و آب‌ها» با نگاهی حسرت آمیز به تصویر کشیدن حال‌وهوای بازماندگان و یادگاران مقدس جبهه یعنی جانبازان، نکات تکان‌دهنده‌ای را یادآور می‌شود و آن این که این خلق فراموشکار نه تنها آن‌ها را نمی‌بینند بلکه پایان اوج ایثار و عشق آن‌ها را نیز اعلام می‌کنند.

من ز پا افتادن گلخانه‌ها را دیده‌ام/ بال ترکش خورده پروانه‌ها را دیده‌ام دیده‌ام بسیار
مرگ غنچه‌های گیج را/ از کمر افتادن آلاله‌ی افلیح را/ در نخاع بادها ترکش فراوان دیده‌ام/
گردش تابوت‌ها را در خیابان دیده‌ام/ گردش تابوت‌های بی شکوه آهنین/ پرز تحقیر و تنفر
خالی از هر سرنشین (حسینی، ۱۳۸۸ ج: ۸ - ۱۴۹)

۲-۲-۸- اعتراض به بی‌عدالتی‌های اجتماعی

عدالت در لغت به معنای برابر سازی و توازن است و در مفهوم اجتماعی، هرگاه حق هر صاحب حقی به او داده شود، می‌گویند عدالت رعایت شده است (مولانا، ۱۳۸۰: ۲). عدالت اجتماعی یکی از ارکان توازن در جامعه است که در بعضی از جوامع بر اثر عدم یا کاستی در همین مقوله، آسیب‌های بسیاری بر جامعه وارد می‌آید. یکی از موضوعاتی که در جامعه‌ی امروزی شیوع بسیاری پیدا کرده و امین‌پور انتقاد خود از بی‌عدالتی‌های اجتماعی را از این دریچه بیان داشته، رابطه و پارتی است. یکی از ناهنجاری بیدادگرانه‌ی اجتماعی در حوزه‌های مختلف اداری و سازمانی که قیصر امین‌پور به ویژه بعد از دفاع مقدس با آن روبه رو شده، حاکمیت رابطه به جای ضابطه و پارتی بازی به جای عدالت‌محوری است. این موضوع از آن‌جایی برای شاعر دردناک‌تر و آزارنده‌تر می‌گردد که با آرمان‌های انقلابی و آموزه‌های دینی شدیداً در ستیز است:

دیوار را/ باید دوباره سیم‌کشی کرد/ باید فضای طاقچه‌ی پشت پرده را/ پر کرد (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

باید دم تمامی درها را دید/ باید هوای پنجره را داشت (همان: ۲۸۳).

یکی از مصادیق اجرای عدالت در جامعه ایجاد فرصت‌های یکسان و برابر برای افراد جامعه است. وقتی جامعه‌ای دچار آفتی مانند پارتی می‌شود، به خصوص در دستگاه‌های اداری امروز که کمابیش دچار چنین معضلی هستند، اگر افراد بخواهند تابع قانون باشند، فضا برای آنها دشوار می‌گردد:

صف/ انتظار/ صف/ امضا/ شماره/ امضا/ فردا دوباره / صف/ انتظار/ امضا/ شماره/ ای کاش باد.../ ای کاش باد این همه کاغذ را/ می‌برد! (همان: ۱۶۹).

قزوه با طنزی زیبا در اعتراض به مشکل ارتشا و پارتی بازی‌هایی که در دستگاه قضا اتفاق می‌افتد، انتقاد می‌کند و می‌گوید:

قاضی ای در یک روز/ از دو طرف/ سه بار سفارش شد/ من کلاهم را قاضی کردم/ جهنمی شدنم. (قزوه، ۱۳۶۹: ۷۲).

۲-۲-۹- خود اتهامی

سید حسن حسینی به همراه سلمان هراتی از پایه گذاران این نوع شعر در ادبیات دفاع مقدس هستند. اعتراض به خود، که در شعر بعد از انقلاب بسیار مرسوم شد، انگشت اتهام شاعران را - که به طور معمول رو به دیگران گرفته می‌شد- به سوی خود نشانه گرفت و به دلیل همدلی و همراهی شاعران با جامعه، این خود اتهامی به جامعه نیز سرایت کرد. در واقع شاعر از سرزنش خود، به سرزنش مردم و سپس به عافیت طلبان، سودجویان، و گروه‌های بریده از انقلاب می‌رسد حسینی با تخطئه و اعتراض نسبت به خود، در قبال سکوت، فراموشی، دور شدن از فضایل اخلاقی و جدا شدن از حقیقت وجودی و انقلابی خود، این نوع شعر را وسعت می‌بخشد. وی سپس این اعتراض را به سطح جامعه تعمیم می‌دهد، به گونه‌ای که بسیاری از «من» های شعر او بیشتر معنای «ما» می‌دهد. حق این است که او با حسرت خود را هرگز از جامعه ندانسته است و در همه چیز حتی اگر غفلت، فراموشی و بی ارزش کردن ارزشها باشد، خود را با آنان شریک می‌داند:

شهیدان خفته‌اند/ و حرف آخر را گفتند/ ما اما نشتیم/ و دل به حادثه بستیم/ زهراب این حقیقت عریان/ تا واپسین تهاجم بی داد/ پاداش تجاهلمان باد. (حسینی، ۱۳۸۸ د: ۱۰۶)

سلمان خود را برای غرق شدن در زندگی روزمره و به تعبیر خودش، بیهودگی‌ها و غفلت‌ها سرزنش می‌کند و آن را از خود به سطح جامعه تعمیم می‌دهد، وی هر جا که انگشت اتهام را به سوی مردم بلند می‌کند، خود را نیز با آنان در یک موقعیت قرار می‌دهد و غفلت و بی توجهی خود آنان را متذکر می‌شود.

آن روز نبودیم که این قافله می‌رفت/ با ما که نبودیم بگویید کجایید/ ماندیم و نراندیم

نشستیم و شکستیم / رفتیم و شنیدیم شهیدان خدایید (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

این نوع انتقادهای امین پور از خویشان، حاکی از آن است که وی زندانی خود، کوری بی نصیب از آفتاب و پای بند دنیاست، دینش راستین و آگاهانه نیست، خام است اما خیال پختگی دارد، عمر را به بطلالت سپری کرده و حافظ وار، شرمندۀ مسلمانی خویش است:

عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم/ تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۹۲)

البته اعتراض‌های اجتماعی چون همراه شدن شاعر با جامعه در بی توجهی به مبانی اخلاقی و فراموشی ارزش‌های فرهنگی و انقلابی و یاد شهدا هم در این نوع شعر او دیده می‌شود. نکته مهم در این نوع اعتراض این است که در دهه دوم و به ویژه در دهه سوم این نوع اعتراض در شعر قزوه کم رنگ می‌شود.

چه تنها مانده امشب در مسیر سوگواریها / دل پر درد من با کوله بار شرمساری ها/ هلا ای لاله های آشنا، بی پرده می گویم/ شما را درد غربت کشت و ما را داغداری ها (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۸)

۲-۲-۱۰- انتظار و اعتراض

شعر انتظار، جلوه‌گاه اعتراض، انتقاد، حرکت، تکاپو و بیداری است. شاعران شیعی، انتظار را راهی برای رسیدن به جهان مطلوب می‌دانند و معتقدند که همه اقشار جامعه از بالادست و پایین‌دست باید در جهت زمینه‌سازی ظهور موعود تلاش کنند. این شاعران متعهد با شناختی که از امام زمان (عج) و اجداد و آبای گرامی ایشان دارند، می‌دانند که امام عصر (عج) هیچ‌گاه طرفدار تجمل‌گرایی، کسب نام و نشان رسمی و... نیستند، پس در اشعار خود این صفات را این‌گونه مذمت می‌کنند:

توفانی در راه است/ و مردی می آید/ که به درجه تیمسار ها/ نگاه نمی‌کند/ از سمت بهشت‌زهر/ با سربازانی پا برهنه/ که از چشمانشان لاله می‌چکد!/ مردی می آید/ که از شعار و حروف زیادی بدش می آید/ مردی که به پاترول ها سواری نداده‌است/ و کلکسیون پیکان ندارد! (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۵۲)

امسال در خیابان ولی عصر هیچ کس مثل خود آقا غریب نبود. (همان: ۱۱۳)

بیشتر این انتقادات مربوط به افراد به ظاهر منتظر امام زمان (عج) می‌باشد و در بیت زیر شاعر خطر اعتماد به این گونه منتظران را گوشزد می‌نماید:

به مشتاقان آن شمشیر سرخ شعله‌ور در باد/ بگو تا انتظار این است، اسبی زین نخواهد شد! (قزوه، ۱۳۹۱ ب: ۵۰)

قیصر می‌گوید: حضرت مهدی نجات دهنده انسان از ظلم و شتم و برپای دارنده آزادی

و عدالت است:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد
(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹)

هراتی در این شعر انتظار را سهم خود دانسته و برای گرفتن سهم خود حق اعتراض قائل است و بیان میدارد که مانند غنچه بسته‌ای اما دریغا که غنچه اندک زمانی باز می‌شود و عیان می‌گردد ولی تو صبوری و خود نیز منتظر اشاره خداوند نشسته:

کاروان حماسه می‌سراید این چنین / انتظار سهم ماست / اعتراض نیز / منجیا / یقین تو نیز منتظر / چشم بر اشاره خدا نشسته‌ای. (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

در واقع این گونه اعتراضات همچون نسخه‌هایی از «امر به معروف و نهی از منکر» است و هدف آن‌ها آگاه نمودن منتظران به انحرافات خود و تلاش برای حرکت به سمت اصلاحات اصیل اسلامی و ظهور امام زمان است.

۲-۲-۱۱- اعتراض به انحرافات در تاریخ اسلام و اندیشه‌های شیعی

شاعران انقلاب، به دلیل بینش مذهبی و جهان بینی دینی، توجه ویژه‌ای به تاریخ اسلام و تشیع دارند. انحرافات، کجرویها و جهالتی که تاریخ اسلام را از مسیر حقیقی‌اش دور کرد، به شدت مورد توجه شاعران متعهد قرار گرفت. سلمان هراتی نیز با نگاه ویژه خود، از انحرافات تاریخی سخن می‌گوید. هم به انحرافات دیروز اعتراض می‌کند و هم به جهل و انحرافات امروز. برای سلمان «انتظار» نیز به اندازه مسئله «عاشورا» مهم است. انتظار برای ظهور امام عصر و دیدگاه خاص او که امام را دور از دسترس نمی‌داند و او را نه جزیره نشینی دور از شیعاننش، که همراه همیشگی آنان معرفی می‌کند، آن هم با زبان ساده و بی‌پیرایه، بسیار بدیع و تازه است.

در رطوبت چندانش آور نفس / درخت وسوسه پا گرفت / در سایه درخت وسوسه جمعی / پیمان به قتل آفتاب بستند / شمشیر را / مکارهای با دستهای هوس صیقل داد / و لبخند را به عادت هدیه / به ابلیس بخشید / چشم نفاق / به بیعت قدرت رفت / و در حمایت عشیره شیطان / در جلو فریبنده سراب / نفس را امید حکومت داد / از بستر کبود وسوسه برخاست / و دشنه ابلیس را حمایل خود کرد / آمد در پشت او رکوع به ریا برد / آفتاب نماز حادثه می‌خواند / ناگاه دست حرامی / با بغض وسوسه چرخید / با خنجرش / فرق منور خورشید را شکافت. (هراتی، ۱۳۶۸: ۲۵-۲۳)

در باره حضرت زهرا (س) حسینی می‌گوید:

مادرم / به سکه ایمان نداشت / و سنگ‌های بی‌تعادل / کفه دریای لبش را / به هم نمی‌زد / دیگران / در قحطی زمین / بت می‌خوردند / و مادرم / برای صنم‌های بزرگ - حتی از

سر تفنن - /تره ای خرد نمی کرد/ سازنده بود / غنچه دست های مادرم/ و پوست لبخندش /
زره پوش بهاران بی افول. (حسینی، ۱۳۸۸ الف: ۵۵)

علیرضا قزوه هم به جریان انحرافات زمان حضرت علی(ع) به سه گروه خوارج (مارقین)،
ناکشین و قاسطین اشاره می‌کند که سالها در رکاب حضرت علی (ع) جنگیدند و شمشیر
زدند ولی باعث تحمیل جنگ های نهروان، جمل و صفین و خانه نشینی بیست و پنج ساله
بر حضرت شدند و در نهایت حضرت به دست یکی از این خوارج به شهادت رسید:

پیشانی تمامی شان داغ سجده داشت آنان که خیمه گاه مرا تیر می زدند

این مردمان غریبه نبودند، ای پدر دیروز در رکاب تو شمشیر می زدند

(قزوه، ۹: ۱۳۸۷)

۲-۲-۱۲- اعتراض به رذایل اخلاقی همچون دروغ، نیرنگ، حرص، ریا و تملق

شاعران انقلاب براساس آموزه‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب
می‌دانند. گسترش رذایل اخلاقی سبب فساد جامعه می‌شود؛ مسایلی مانند دروغ، نیرنگ،
حرص، ریا، تملق و... شاعران انقلاب، با انتقاد از این مسائل، سعی در اصلاح جامعه دارند،
قدرتمندان و زورمندان دنیا، برای رسیدن به اهداف شوم‌شان، از نیرنگ و دروغ بهره
می‌برند. سلمان هراتی، در اعتراضی آشکار از نیرنگ و دروغی که دنیا را فراگرفته است،
انتقاد می‌کند. او معتقد است زورمندان و زرمداران دنیا همه اسباب و وسایل را جهت فریب
مردم و افکار عمومی، به خدمت گرفته‌اند تا بتوانند بر دنیا حکومت کنند:

ماهواره‌های دروغ‌پرداز/ در سیاست دخالت می‌کنند/... و امنیت را در خاورمیانه اعلام
می‌کنید/ دنیا در بستر نیرنگ آرمیده است/ با جلیقه مخمل/ بر پله‌های/ سازمان ملل بار
انداخته است/ و به دنیا، برگ زیتون تعارف می‌کند. (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۹ - ۹۴)

یکی دیگر از رذایل اخلاقی که مایه حقارت و کوچکی انسان می‌باشد، حرص است.
سلمان هراتی، در شعر «تدفین مادر بزرگ» حرص و ولع آدمی را مورد انتقاد قرار می‌دهد.
او در این شعر از مادر بزرگی می‌گوید که در آستانه مرگ است. آنگاه مرگ و تدفین او را به
تصویر می‌کشد؛ سپس اطرافیان او را نشان می‌دهد که با فراموشی مرگ مادر بزرگ اندکی
پس از تشییع پیکر وی، در پی تقسیم ارث او هستند:

او را چنان که گفت/ با یک کفن به خاک سپردیم/ اما وقتی که آمدیم به خانه/ حرص
و ولع/ روی شعور برگ درخت آرمیده بود/ و حس ظالمانه تقسیم/ جان می‌گرفت/ در
لحظه‌های آخر اندوه/ اشیاء هر کدام یک برگ از وصیت او شد/ کم‌کم مادر بزرگ/ و مرگ
فراموش می‌شوند. (همان: ۲۷۱)

امین پور بارها از نفاق و بی صداقتی برخی از دوستان خود شکایت کردند. کسانی که

سکه‌های دو رویی اند، آرمان‌ها و شعارهای اخلاقی و انسانی اوایل انقلاب را فراموش کرده‌اند، دنیا پرست و زیاده‌خواه شدند، بیش از آنچه هستند می‌نمایند، از پشت خنجر می‌زنند و دوستانی که «که بخاطر خطای چایی، «دوستاق» شدند» (همان: ۱۵۸)

ما را به حال خود بگذارید و بگذرید از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید
پنهان در آستین شما برق خنجر است دستی در آستین به در آید و بگذرید
(امین پور، ۱۳۸۸: ۳۱۷)

در نظر امین‌پور، برگزیدن کفر او را از نیازمندی ریا، بی‌نیاز ساخته است و او به تمسخر گرفتن ریاکاران آن را بدین صورت بیان می‌کند:

ز دیدن ریا بی‌نیازم به کفری که از مذهبم می‌تراود

(همان: ۱۰۴)

سید حسن حسینی، شخصیتی بسیار روراست، صریح اللهجه و تیزبین بود؛ و همین مسئله حساسیت او را نسبت ریا و تزویر بیشتر می‌کرد. وی این موضوع را در هر موردی ناپسند می‌شمارد و بیش از همه به تزویرگران دینی می‌نازد، که از مذهب برای خود پشتوانه‌ای سیاسی و اجتماعی ساخته‌اند:

درد دینداری دکانی بیش نیست در تن حق نیمه جانی بیش نیست
(حسینی، ۱۳۸۸ ج: ۴۸)

شادم که به سجاده رنگ آمیزی پیشانی من به مهر تزویر نخورد
(همان: ۱۶۶)

۲-۳- بررسی و مقایسه اشعار اعتراضی شاعران مورد بحث

در جدول زیر بسامد بازتاب درون‌مایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های شاعران موردنظر به تفکیک نشان داده شده است که انعکاس این درون‌مایه‌ها به ترتیب در مجموعه اشعار سید حسن حسینی (همصدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل، نوش دارو طرح ژنریک، سفرنامه گرد باد، از شرابه‌های روسری مادرم و در ملکوت سکوت) ۴۸٪ (از ۵۵۱ قطعه شعر وی، ۲۶۷ قطعه شعر اعتراض)، علیرضا قزوه (از نخلستان تا خیابان، شبلی و آتش، عشق (ع) و سوره انگور) ۴۵٪ (از ۱۷۴ قطعه شعر او، ۷۸ قطعه شعر اعتراض)، سلمان هراتی (مجموعه کامل اشعار هراتی) ۴۲٪ (از ۱۳۳ قطعه شعر او، ۵۶ قطعه شعر اعتراض) و قیصر امین‌پور (مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور و در کوچه آفتاب) ۳۷٪ (از ۴۵۰ قطعه شعر او، ۱۶۸ قطعه شعر اعتراض) می‌باشد که بنابراین بیشترین بسامد انعکاس درون‌مایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های حسینی و کمترین نمود آن در اشعار امین‌پور است.

جدول ۱. بسامد اشعار اعتراضی شاعران

نام شاعر	تعداد اشعار	تعداد اشعار اعتراض	فراوانی به درصد
سلمان هراتی	۱۳۳ قطعه	۵۶ قطعه	۴۲٪
سید حسن حسینی	۵۵۱ قطعه	۲۶۷ قطعه	۴۸٪
قیصر امین پور	۴۵۰ قطعه	۱۶۸ قطعه	۳۷٪
علیرضا قزوه	۲۴۲ قطعه	۱۳۰ قطعه	۴۵٪

نمودار دایره ای بسامد اشعار اعتراضی شاعران



در جدول زیر بسامد درون‌مایه‌های شعر اعتراض به ترتیب در قالب‌های شعر نو (سپید و نیمایی) (۲۳۵ قطعه)، غزل (۱۳۸ قطعه)، هایکو (۹۹ قطعه)، رباعی (۴۹ قطعه)، دوبیتی (۲۰ قطعه)، چهارپاره (۴ قطعه) و مثنوی (۳ قطعه) سروده شده‌است. بنابراین قالب شعر نو (نیمایی و سپید) بیشترین کاربرد در بیان درون‌مایه‌های اعتراضی را در سروده‌های شاعران شعر انقلاب داشته است و کمترین آن مربوط به قالب مثنوی است.

جدول ۲. بسامد قالب های اعتراضی شاعران

تعداد شعر اعتراض	قالب های شعری
۲۳۵ قطعه	شعر نو (سپید و نیمایی)
۱۳۸ قطعه	غزل
۹۹ قطعه	هایکو
۴۹ قطعه	رباعی
۲۰ قطعه	دو بیتی
۴ قطعه	چهار پاره
۳ قطعه	مثنوی

چنانکه پیش از این بیان شد ، یکی از اهداف این پژوهش تبیین شیوه های بیان اعتراضی این شاعران مورد بحث است که این مسأله در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. با توجه به شواهد مثال ذکر شده، گفتنی است که شعر اعتراض انقلاب، بویژه در دهه اول انقلاب، شعری صریح و آشکار است. شاعران این حوزه در فضای شعر می سرودند که مورد قبول نظام و مردم بود و از این نظر نیازی به کنایه پوشیده سخن گفتن نبود. از سوی دیگر، بیشتر شاعران این حوزه شعر را با انقلاب شروع کردند و شعرهای اعتراضی آنان در اوایل انقلاب به دلیل عدم تسلط بر قوانین شعری، عدم تمرین و ممارست، فضای پرهیجان و داشتن مخاطب عام به شعار زدگی نزدیک شده است. سلمان هراتی، سید حسن حسینی و علیرضا قزوینه تبعیت از شاعران این دوره شعر های اعتراضی خود را عموماً آشکارا و صریح و با لحن تند و گزنده و با طنزی فاخر و روحیه ای حماسی لب به اعتراض می گشاید ولی قیصر امین پور به صورت غیر صریح و با لحنی آرام و ملایم تر فریاد اعتراض را سر می دهد. این امر ممکن است ناشی از شرایط جامعه و تفاوت روحیات آنان باشد اما وجه مشترک رویکرد اعتراض آنها در بازگشت به آرمان ها و اصول اولیه انقلاب و تثبیت و ترویج آنها است. در واقع شاعران از این طریق به حمایت از انقلاب و آرمان هایشان می پردازند. شاعران مورد بحث شیوه های بیانی همچون اعتراض آشکار، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته، پرسش گری، تردید و رمز گونه و نمادین را برای بیان درون مایه ها اعتراضی خود برگزیدند که شیوه های اعتراض آشکار و رمز گونه و نمادین بیشترین سهم را در بیان شعری، شعر اعتراض انقلاب دارد.

جدول ۳. شیوه‌های بیان اعتراض شاعران

علیرضا قزوه	قیصر امین پور	سید حسن حسینی	سلمان هراتی
اعتراض آشکار، طنز، مرثیه، حسرت، شکایت	اعتراض آشکار، طنز، شکایت، مرثیه، حسرت، نوستالوژی و مرور خاطرات، اعتراض همراه با مدح، پرسشگری و تردید	اعتراض آشکار، طنز و هجو، اعتراض همراه با مدح، مرثیه، حسرت، شکایت	اعتراض آشکار، اعتراض همراه با مدح، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، طنز تلخ، و رمزگونه و نمادین
با لحنی تند	با لحنی ملایم و آرام	بالحنی تند و گزنده	با لحنی تند و گزنده

۳- نتیجه‌گیری

در دوره انقلاب اسلامی، شاعران متعهد و ملتزم، برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و ترویج افکار انقلابی، به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی و... دوران خود پرداخته‌اند. شعر اعتراض یکی از زیر مجموعه‌های ادب‌پایداری، نوعی شعر اجتماعی است که در آن نادرستی‌های رفتاری مردم و مسئولان را گوشزد می‌کند و هدف از این نوع شعر در دوره انقلاب، حفظ ارزش‌های اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با انواع بی‌عدالتی‌ها است.

به طور کلی می‌توان درونمایه‌های شعر اعتراض را در دوره انقلاب اسلامی به دو نوع اعتراض‌های جهانی و داخلی تقسیم کرد. مهم‌ترین درون‌مایه‌های مشترک شعر اعتراض که بیشترین انعکاس را در سروده‌های شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی داشته است در مورد اعتراض‌های نوع اول (جهانی) بیشتر حول اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی می‌چرخد که شامل اعتراض به فراموش شدن مسئله فلسطین (قدس) و اعتراض به استکبار جهانی است. اما اعتراض‌های داخلی که بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی است، که عبارت‌اند از: اعتراض به دوران شاهنشاهی، اعتراض به سکوت شاعران و دیگر هنرمندان، اعتراض به فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا، اعتراض به افراد مرفه و بی‌درد جامعه، اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی، اعتراض به افراد سودجو و منفعت‌طلب، اعتراض به اوضاع نابسامان جانبازان و رزمندگان، اعتراض به بی‌عدالتی‌های اجتماعی، خوداتهامی، انتظار و اعتراض، اعتراض به انحرافات در تاریخ اسلام و اندیشه‌های شیعی و اعتراض به رذایل اخلاقی همچون دروغ و نیرنگ، حرص، ریا، تملق و... است که این درون‌مایه‌ها بیشترین بازتاب را در سروده‌های حسینی داشته است. بنابراین درون‌مایه‌های

شعر اعتراض به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، هایکو، رباعی، دوبیتی، چهار پاره و مثنوی سروده شده‌است که قالب‌هایسپید و نیمایی بیشترین کاربرد را در بیان درون‌مایه‌های اعتراضی دارند.

شاعران مورد بحث شیوه‌های بیانی همچون اعتراض آشکار، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته، پرسش‌گری، تردید و رمزگونه و نمادین را برای بیان درون‌مایه‌های اعتراضی خود برگزیدند که شیوه‌ی اعتراض آشکار بیشترین سهم را در بیان شعری، شعر اعتراض انقلاب دارد. و به‌طوری که اشعار انتقادی هراتی، حسینی و قزوه صریح‌تر و با لحنی تند و گزنده‌تر از اشعار اعتراضی امین پور بیان شده‌است که به صورت غیر صریح و با لحنی آرام و ملایم‌تر است. این امر ممکن است ناشی از شرایط جامعه و تفاوت روحیات آنان باشد اما وجه مشترک رویکرد اعتراض آنها در بازگشت به آرمان‌ها و اصول اولیه انقلاب و تثبیت و ترویج آنها است. در واقع شاعران از این طریق به حمایت از انقلاب و آرمان‌هایشان می‌پردازند.

در واقع این شاعران از شعر به منزله سلاحی برای انعکاس برخی مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی بهره برده‌اند؛ به طوری که شعرشان بیشتر مبتنی بر عواطف اجتماعی است تا عواطف شخصی. همچنین نمونه‌های استخراج شده، ضمن بیان وجوه شباهت اشعار اعتراضی، حاکی از تفاوت‌هایی است که بر فراخور شرایط محیطی شان ایجاد شده‌است. برای مثال سلمان هراتی و قیصر امین پور از عصر پهلوی و شرایط آن زمان انتقاد می‌کنند ولی سید حسن حسینی و علیرضا قزوه شرایط جامعه پس از جنگ را به تصویر می‌کشند که در آن برخی افراد با نفاق و ریاکاری، سودجویانه از دین بهره می‌برند. بنابراین اینان، در مقام شاعری متعهد، در برابر معضلات جامعه حساسیت نشان داده‌اند و در بیداری مردم و آگاه کردنشان درباره جامعه و مشکلات موجود در آن می‌کوشند. این مسأله هم نشانگر حضور موثر و فعال شاعران معترض در عرصه سیاسی و ادبی است و هم تأییدی است بر نظریه جامعه شناختی ادبیات که هنر را همواره از بسترهای اجتماعی و سیاسی متأثر می‌داند.

منابع

- ۱- امین پور، قیصر. (۱۳۸۸). **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**، تهران: مروارید.
- ۲- ایشانی، طاهر. (۱۳۹۴). «انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب» **فاطمه راکعی و سپیده کاشانی، پژوهش‌نامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال ششم، شماره دوم، صص ۲۱-۱.

- ۳- باقری، بهادر و توکلی، فاطمه. (۱۳۹۴). «قیصر امین پو شاعر منتقد» **نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال هفتم، شماره‌ی ۱۲، بهار و تابستان، صص ۴۵-۶۰.
- ۴- پشت‌دار، علی‌محمد. (۱۳۸۹). «چشم‌انداز آزادگی و عدم اعتراض در شعر فارسی»، **دو فصلنامه علوم ادبی**، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۷۲-۱۵۷.
- ۵- پورممتاز، علیرضا. (۱۳۷۲). **فرهنگ چاپ و نشر**، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی، ص ۳۵۹.
- ۶- حسینی‌مؤخر، سیدمحسن و نجات، سید حمید. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوین». **دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی عربی**. شماره دوم، پاییز و زمستان. صص ۶۶-۳۹.
- ۷- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۸ الف). **از شراب‌های روسری مادرم**، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۸- _____ (۱۳۸۸ ب). **در ملکوت سکوت**، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۹- _____ (۱۳۸۸ ج). **سفرنامه گردباد**، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۸ د). **هم‌صدا با حلق اسماعیل**، تهران: سوره مهر.
- ۱۱- _____ (۱۳۸۱). **گنجشک و جبرئیل**، تهران: نشر افق.
- ۱۲- _____ (۱۳۸۷ الف). **نوش‌داروی طرح ژنریک**، تهران: سوره مهر.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۷ ب). **گزیده شعر جنگ**، تهران: سوره مهر.
- ۱۴- رحمدل، غلامرضا. (۱۳۸۹). «بررسی محتوایی و تصویری شعر سلمان هراتی در مجموعه آسمان سبز»، **فصلنامه پژوهشی کاوش‌نامه**، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ۱۵- رحیمی، سیدمهدی و دیگران. (۱۳۹۳). «کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران معروف دهه اول انقلاب اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، بهار، شماره ۳۶، صص ۱۴۹-۱۳۱.
- ۱۶- سازمند، فهیمه. (۱۳۹۶). «شکوائیه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوین»، **مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه**. دوره سوم، شماره سوم، پاییز. صص ۹۱-۸۳.
- ۱۷- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ص ۷۹.
- ۱۸- فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). «سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین‌پور»، **ادب پژوهشی**، شماره پنجم، تابستان و پاییز، صص ۳۰-۱۰.

- ۱۹- قزوه، علیرضا. (۱۳۶۹). *از نخلستان تا خیابان*، تهران: سوره مهر.
- ۲۰- _____ . (۱۳۷۳). *شبلی و آتش*، تهران: موسسه محراب اندیشه.
- ۲۱- _____ . (۱۳۸۵). *قطار اندیمشک*، تهران: سوره مهر.
- ۲۲- _____ . (۱۳۸۶). *با کاروان نیزه*، تهران: سوره مهر.
- ۲۳- _____ . (۱۳۸۷). *سوره انگور*، تهران: نشر توسعه کتاب ایران.
- ۲۴- _____ . (۱۳۹۰). *عشق علیه اسلام*، تهران: سوره مهر.
- ۲۱- _____ . (۱۳۹۱ الف). *صبح بنارس*، تهران: شهرستان ادب.
- ۲۵- _____ . (۱۳۹۱ ب). *صبحتان به خیر مردم*، تهران: امیر کبیر.
- ۲۶- _____ . (۱۳۹۱). *چمدان‌های قدیمی (گزیده غزل)*، تهران: شهرستان ادب.
- ۲۷- _____ . (۱۳۸۸). *پشت هر سنت خداست*، (فلسطین و قدس در سروده‌های شاعران). تهران: اطلاعات.
- ۲۸- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). *بررسی ادبیات انقلاب اسلامی*، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ص ۱۴۸.
- ۲۹- _____ . (۱۳۹۳). *پژوهش‌نامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، دوجلدی. (نقد و بررسی قالب‌ها و گونه‌های مختلف با نقد دکتر صادق آئینه‌وند). تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۳۰- _____ . (۱۳۸۹). *شناخت ادبیات انقلاب اسلامی*، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۳۱- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۹۰). *ده شاعر انقلاب*، تهران: سوره مهر.
- ۳۲- لنگرودی، محمد شمس. (۱۳۹۰). «شعر و هنر یک نوع اعتراض است به جهان»، *نشریه گزارش*، شماره ۲۲۷، صص ۵۸-۶۴.
- ۳۳- معین، محمد. (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی*، جلد اول، تهران: امیر کبیر، ص ۳۰.
- ۳۴- مولانا، حمید. (۱۳۸۰). *ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۵- هراتی، سلمان. (۱۳۸۰). *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی*، تهران: دفتر شعر جوان.